

بررسی دیدگاه سلفیه جهادی در مسأله عدو قریب (حاکمان ممالک اسلامی)، با تأکید بر آیه ۱۲۳ سوره

توبه

علی اکبر لطفی *

مهدی فرمانیان **

چکیده

سلفیه جهادی به عنوان گروهی که تنها راه گسترش و نشر اسلام را جهاد مسلحانه می داند، با تکیه بر آیه ۱۲۳ سوره توبه و بدون توجه به دیگر آیات، تفسیر جدیدی از دشمن نزدیک ارائه کرده اند. آنان حاکمان ممالک اسلامی را به عنوان دشمن نزدیک و مصداق آیه شریفه دانسته و قتال با آنان را واجب عینی می دانند. این تفسیر تا قبل از محمد عبدالسلام فرج، از هیچ مفسری دیده نشده بود و او اولین کسی است که چنین تفسیری را ارائه کرده است. تکفیری ها معتقدند که حاکمان ممالک اسلامی، به خاطر آنکه دست نشانده کفار هستند و افعال کفرآمیز و ارتدادی انجام می دهند، به عنوان عدو قریب مستحق قتال می باشند. این مسأله از دو جهت قابل نقد است. اول: کافر نبودن حاکمان ممالک اسلامی؛ دوم: مخالف بودن این دیدگاه سلفیان جهادی با کتاب، سنت و سیره مسلمانان. علاوه بر این، برخی آیات و روایات مسلمانان را به مدارا می خوانند و از جهاد مسلحانه علیه حاکمان باز می دارد که این موضوع معارضی با این برداشت سلفیان تکفیری می باشد؛ از این رو ضرورت ایجاب می کند که ضمن تعریف سلفیه جهادی، با تمسک به آیات و روایات به بیان دیدگاه صحیح در برخورد با حاکمان ممالک اسلامی بپردازیم.

کلیدواژه ها: سلفی جهادی، عدو قریب، حاکمان، ممالک اسلامی، آیه ۱۲۳ سوره توبه.

* کارشناس ارشد مذاهب، پژوهشگر موسسه دار الاعلام لمدرسة اهل البيت و استاد زبان و معارف اسلامی در مدرسه المهدی وابسته به جامعة المصطفی العالمیه. lotfi43271@gmail.com.
** دانشیار دانشگاه ادیان و مذاهب.

مقدمه

مقابله با دشمن نزدیک از جمله اموری است که هر عقل سلیمی به آن حکم می‌کند. این امر مورد پذیرش شرع نیز هست؛ همان‌طور که خداوند در آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ»، اشاره به تقدم جهاد عليه دشمن نزدیک دارد؛ اما باید ابتدا دشمن نزدیک و شاخصه‌های آن بیان گردد تا جامعه اسلامی دچار آسیب نشود. گروه‌های سلفی جهادی با تمسک به این آیه شریفه، حاکمان ممالک اسلامی را مصداق دشمن نزدیک می‌دانند؛ در واقع این اشتباه در تشخیص دشمن نزدیک موجب گردیده است که تکفیری‌ها با تمسک به این آیه، اقدام به ایجاد ناامنی و قتل مسلمانان و انسان‌های بی‌گناه کنند؛ از سویی دیگر، این فهم نادرست موجب شده که از دشمن اصلی (استکبار جهانی و صهیونیسم) غافل شوند. نویسندگان فریقین در نقد این عملکرد سلفیه جهادی، کتب متعددی را نگاشته‌اند که مهم‌ترین این آثار عبارت‌اند از: الفتنة الغائبة، تالیف مجموعة المؤلفين، که در بخشی از این اثر، به مسأله عدو قریب پرداخته شده است. نقض الفريضة الغائبة نوشته جلال‌الحق شیخ الازهر و عطیه صقر، و همچنین عدو قریب و بعید نوشته حسن حسینعلی نیز به این موضوع اشاره کرده‌اند؛ اما در این آثار به تمام زوایای بحث و محل نزاع از قبیل تبیین دقیق مصداق عدو قریب از منظر سلفیه جهادی و ادله سلفیه در خروج بر حاکم و همچنین نقد دقیق ادله آنها از کتاب، سنت و کلام بزرگان اهل سنت پرداخته نشده؛ در واقع باید گفت که در این کتب، تنها به بیان شان نزول آیه شریفه، ادله تقدم خروج بر دشمن نزدیک و مباحثی از قبیل عملکرد خلیفه اول در مقابل مرتدین و عملکرد صلاح‌الدین ایوبی و... پرداخته شده است؛ از این‌رو در این نوشته، ضمن تعریف سلفیه جهادی، پیدایش اندیشه قتال با حاکمان ممالک اسلامی، تبیین آیه شریفه و چگونگی تمسک سلفیان به آیه در قتال با حاکمان، بیان دیدگاه آنان در تعیین مصداق عدو قریب (حاکمان ممالک اسلامی) و ادله آنان برای خروج بر حاکم، به نقد این ادله از کتاب و سنت و همچنین سیره سلف و کلام علما بزرگ اهل سنت که مورد قبول سلفیان جهادی است می‌پردازیم.

سلفیه جهادی

از آنجایی که بحث ما در تبیین دیدگاه سلفیه جهادی در مقابله عدو قریب (حاکمان ممالک اسلامی) می باشد، در اینجا به تعریف اجمالی از این گروه می پردازیم.

سلف در لغت عبارت است از هر چیزی که مقدم شده باشد.^۱ سلفیه مصدر صناعی از ماده «سلف» است^۲ که در اصطلاح سلفیه عبارت است از کسانی که قائل به التزام و عمل به کتاب و سنت نبوی بنابر فهم سلف صالح باشند؛^۳ بنابراین، سلفیه جهادی به کسانی اطلاق می شود که بر اساس چنین فهمی از کتاب و سنت، تنها راه برقراری حکومت اسلامی را جهاد مسلحانه می دانند.^۴ به عقیده آنها سلفی جهادی افرادی هستند که دارای تفکر جهاد مسلح بر علیه حکومت های موجود در جهان اسلام و بر ضد دشمنان خارجی می باشند. افرادی دارای تفکر مشخص که بر اساس مبادی حاکمیت و قواعد ولاء و براء و قواعد اساسی جهاد بنا شده^۵ و از آن به عنوان یک واجب عینی یاد می کنند؛^۶ تا جایی که عبدالله عزام در این باب تصریح می کند: ای مسلمانان، بدانید زندگی و عزت شما در گرو جهاد است؛ از این رو اگر کسی علیه طواغیت، کفار و ظالمین به قتال نپردازد هیچ ارزشی برای او در این دنیا نیست؛^۷ آنان بر این باورند که تشکیل ابتدایی اسلام، قدرت یافتن آن و بقای آن تا به امروز، در گرو شمشیر بوده؛^۸ بنابراین، تنها راه انتشار توحید و معارف الهی را جهاد مسلحانه علیه طاغوت می دانند.^۹ اصطلاح سلفیه جهادی اولین بار در اواخر دهه ۱۹۹۰، در روزنامه نیویورک تایمز به کار رفت.^{۱۰} اولین کتابی که با این عنوان

۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج ۷، ص ۲۵۸.

۲. احمد مختار، عبدالحمید عمر، معجم اللغة العربية المعاصرة، ج ۲، ص ۱۰۹۲؛ سالم، احمد، مابعد السلفية، ص ۲۷.

۳. همان، ص ۷؛ البانی، محمد ناصرالدین، دروس للشيخ ناصرالدین البانی، ج ۳۱، ص ۳؛ وادعی، مقبل بن هادی، تحفة المجیب عن استئله الحاضر و الغریب، ص ۱۸۵؛ عبدالغنی، عماد، المفاهیم والافکار والعقائد المحوریة للحركات الاسلامیه، الحركات الاسلامیه فی الوطن العربی، ج ۱، ص ۹۵.

۴. همان، ج ۱، ص ۹۸؛ حجازی، اکرم، دراسات فی السلفیه الجهادیه، ص ۳۷.

۵. سوری، ابومصعب، دعوة المقاومة الاسلامیه العالمیه، ص ۶۸۳.

۶. عبدالسلام فرج، محمد، الجهاد الفریضة الغائبه، ص ۱۸.

۷. عزام، عبدالله، التجارة المنجیه زاد المجاهدین، ص ۲۱۶.

۸. نسیره، هانی، الحركات الاسلامیه فی الوطن العربی، ج ۲، ص ۱۲۳۸.

۹. ابورمان، محمد، الاصلاح السیاسی فی الفكر الاسلامی، ص ۲۶۰.

۱۰. میسر، روبیل، السلفیه المعاصره، ص ۳۴۴.



منتشر شد، به نام " الرد على التهمة التهاون بين الحركة الجهادية السلفية و ايران الرافضة" توسط ایمن الظواهری در انگلیس بود.^۱

بعد از شناخت اجمالی از سلفیه جهادی، اکنون آیه ۱۲۳ سوره توبه به عنوان محور بحث، مورد بررسی قرار می گیرد.

تبیین آیه ۱۲۳ سوره توبه

از جمله آیاتی که گروه های سلفی تکفیری، با تمسک به آن، جواز مقابله با حاکمان ممالک اسلامی را برداشت کرده اند، آیه ۱۲۳ سوره توبه می باشد که خداوند می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾؛

ای کسانی که ایمان آورده اید، با کافرانی که نزدیک شما هستند جنگ کنید تا در شما شدت و درستی یابند و بدانید که خدا با پرهیزگاران است.^۲

مفسران در ذیل این آیه شریفه، ضرورت مقابله با دشمن نزدیک را بیان کرده و^۳ معتقدند که این آیه شریفه، در باب جهاد علیه رومیان نازل شده است.^۴ در شان نزول این آیه شریفه آمده: در اواخر عمر شریف پیامبر اکرم ﷺ، بعد از آنکه ایشان بخش عظیمی از جزیره العرب را به دین اسلام دعوت فرمودند، نوبت آن رسیده بود که برای گسترش اسلام به تبلیغ دین در خارج از جزیره العرب پرداخته شود که پیامبر ﷺ از نزدیک ترین منطقه که در آن زمان شام بود شروع کردند؛^۵ از این رویکی از اصحاب خود به نام "حارث بن عمیر ازدی" را برای تبلیغ اسلام به شام روانه کردند؛ اما حاکم رومی منطقه، علاوه بر عدم پذیرش دین، فرستاده پیامبر را کشت و خود را آماده حمله به ممالک اسلامی کرد؛^۶ پس از این واقعه، خداوند ضمن نزول آیه شریفه، مومنین را تشویق به مقابله با دشمن نزدیک شان کرد که در آن دوره، مقصود، رومیان بودند.^۷

۱. میر، روایل، السلفیه المعاصره، ص ۳۵۲.

۲. سوره توبه، آیه ۱۲۳.

۳. طبری، محمد، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۱، ص ۵۲؛ طباطبائی، محمد حسین، المیزان، ج ۹، ص ۴۰۴؛ آلوسی، محمود، روح المعانی، ج ۶، ص ۴۷؛ سباعی، هانی، التجلیة فی الرد علی التعریة، ص ۱۶.

۴. نیشابوری، احمد، الكشف والبيان عن تفسير القرآن، ج ۵، ص ۱۱۲؛ قرطبی، محمد، الجامع لاحکام القرآن، ج ۸، ص ۲۹۷.

۵. رشید رضا، محمد، تفسير القرآن الحكيم، ج ۱۱، ص ۶۵.

۶. انصاری، ابوحارث، ارشاد السوول الی حروب الرسول، ص ۶۱.

۷. طبری، محمد بن جریر، تفسير طبری، ج ۱۴، ص ۵۷۴؛ ابن کثیر، اسماعیل، البداية والنهاية، ج ۵، ص ۲.

عدو قریب

مقابله با دشمن نزدیک از جمله مواردی است که عقل این راهبرد را به عنوان یک تاکتیک جنگی پذیرفته است و خداوند نیز این تاکتیک را به مسلمانان گوشزد می کند.

عدو در لغت به معنای دشمن تبیین شده است و مراد از قریب نزدیک است؛^۱ بنابراین، مراد از عدو قریب در آیه شریفه، دشمن نزدیک می باشد. اکثر مفسران مشهور فریقین در ذیل آیه شریفه، ملاک در نزدیک بودن دشمن را از جهت قرب مکانی دانسته اند؛^۲ پس در هر زمان، آن دسته از دشمنان که به ممالک اسلامی نزدیک بوده اند را به عنوان دشمن نزدیک خوانده اند.^۳ این در حالی است که سلفی های تکفیری، تفسیری غیر از دیدگاه عالمان دینی، از صدر تاکنون ارائه کرده اند؛ بنابراین، در ذیل آیه شریفه برای عدو قریب، مصداق دیگری بیان کرده اند^۴ که در ادامه به آن اشاره خواهیم کرد.

مصداق عدو قریب در نگاه سلفیان جهادی

سلفی های تکفیری با استناد به آیه شریفه و روایاتی در ضمن آن، حکم به قتال دشمن نزدیک می کنند؛ البته آنها مصداق دشمن نزدیک را حاکمان ممالک اسلامی معرفی کرده اند. به عقیده آنها، این حکام به دلیل حکم به غیر ما انزل الله، در اداره حکومت، قوانینی برخلاف کتاب و سنت وضع کرده اند که منجر به ارتداد و خروج شان از دایره اسلام شده است؛^۵ تا جایی که سلفی های تکفیری، کفر آنها را شدیدتر از تاتار می دانند؛^۶ از این رو، بنابر روایت نبوی (مَنْ بَدَّلَ دِينَهُ فَاقْتُلُوهُ)^۷ قاتل به وجوب قتال

۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، الفاظ قرآن، ج ۲، ص ۲۱.

۲. ثعلبی، احمد، الكشف والبيان، ج ۵، ص ۱۱۲؛ قرطبی، محمد، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۱، ص ۵۲؛ زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف، ج ۲، ص ۳۲۲؛ عیاشی، محمد، تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۱۱۸؛ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۲۷؛ آلوسی، محمود، روح المعانی، ج ۶، ص ۴۷.

۳. شافعی، محمد بن ادریس، تفسیر الامام الشافعی، ج ۲، ص ۹۶۲؛ همان، الام، ج ۴، ص ۱۷۷؛ جصاص، احمد بن علی، احکام القرآن، ج ۳، ص ۲۰۷؛ ابن کثیر، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۴۸۸.

۴. سباعی، هانی، العدو القریب، ص ۳۱.

۵. سباعی، هانی، التجلیة فی الرد علی التعریة، ص ۱۴.

۶. «والحق ان الحکام الیوم اشد کفرا و ضلالا من التار»؛ (سید امام، عبد القادر، الجامع فی طلب العلم الشریف ۹۰۲؛ نجدی، عبدالرحمن، قصة خوارج عصرنا، ص ۱۱۷).

۷. بخاری، محمد، صحیح بخاری، ج ۴، ص ۶۱.



حاکمان هستند.^۱ سلفی‌های تکفیری حتی قتال با حاکمان ممالک اسلامی را بر مستکبران جهانی مانند آمریکا و اسرائیل اولویت بخشیده‌اند.^۲ این اندیشه اولین بار توسط محمد عبدالسلام فرج^۳ با نوشتن کتاب جهاد الفریضة الغائبة ترویج گردید. وی ضمن معرفی حاکمان ممالک اسلامی به عنوان دشمن نزدیک، جوانان را ترغیب به قتال با آنان کرد؛^۴ تا جایی که جنگ با آنها را مقدم بر آزادسازی قدس و ممالک فلسطین می‌داند.^۵ وی جنگ با حکام را واجب عینی دانست چون از نظر او، حاکمان، مصداق بارز دشمن نزدیک هستند که باید از مقام خود عزل گردند.^۶ عبدالسلام فرج معتقد بود که جنگ با کشوری مثل اسرائیل به نفع هیچ کس نیست و برای اسلام و مسلمانان سودی در بر نخواهد داشت؛ چراکه با این کار، ارکان حکومت‌های استبدادی را تقویت کرده‌ایم؛ زیرا اساس وجود استعمار در کشورهای اسلامی همین حاکمان ممالک هستند؛ پس ابتدا باید این حکام را از میان برداشت و بعد از آن به سراغ استعمار (آمریکا و اسرائیل) رفت؛^۷ همچنین ابومحمد مقدسی،^۸ قتال با حاکمان ممالک اسلامی را مقدم بر مقابله با اهل کتاب دانسته و تصریح دارد: بنابر آیه شریفه «فَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ»، نزدیک‌ترین دشمن امروز به ما حکام مرتدی هستند که مانع رسیدن جهادیون به یهود استکبار می‌باشند؛ از این رو من قتال با این حاکمان مرتد را مقدم بر قتال با یهود می‌دانم؛^۹ همچنین ایمن الظواهری^{۱۰} نیز معتقد است که قتال با حکام، مقدم بر کفار اصلی است.^{۱۱} وی حاکمان ممالک اسلامی را مرتد و دست‌نشانده استعمار می‌داند که

۱. سلفی، محمد، نثر الدر فی تنفیذ شبهة کفر دون کفر، ص ۱۱۷.

۲. عبدالسلام فرج، محمد، الجهاد الفریضة الغائبة، ص ۱۴.

۳. از رهبران فکری سلفیه جهادی در مصر بود و مهم‌ترین اثر وی کتاب الجهاد الفریضة الغائبة می‌باشد.

۴. مجموعة المؤلفین، الفتنة الغائبة - جماعة الجهاد فی المصر، ص ۱۲۶؛ سلفی، محمد، نثر الدر فی تنفیذ شبهة کفر دون کفر، ص ۱۱۸.

۵. عبدالسلام فرج، محمد، الجهاد الفریضة الغائبة، ص ۱۵.

۶. همان، ص ۱۶.

۷. عبدالسلام فرج، محمد، الجهاد الفریضة الغائبة، ص ۱۵؛ سید امام، عبدالقادر بن عبدالعزيز، العمدة فی اعداد العدة، ص ۳۱۵.

۸. وی از رهبران فکری گروه‌های سلفی جهادی می‌باشد.

۹. مقدسی، ابومحمد، مقابلة نداء الاسلام، ص ۱۰؛ همان، تبصیر العقلا بتلیات اهل التهجم و الابتلاء، ص ۱۳۸.

۱۰. رهبر القاعده است که بعد از کشته شدن بن لادن رهبری القاعده را برعهده گرفت.

۱۱. الظوهری، ایمن، شفاء صدور المومنین، ص ۱۰.

مسلط بر ممالک اسلامی شده‌اند؛ بنابراین، قتال با آنان را نوعی جهاد دفاعی می‌داند.^۱

دلایل سلفیه جهادی بر قتال حاکمان ممالک اسلامی به عنوان دشمن نزدیک

سلفیان تکفیری در ذیل آیه شریفه، دلیل خود بر جواز قتال حاکمان ممالک اسلامی را این‌گونه بیان می‌کنند:

۱. کفر حکام: آیه شریفه، تاکید بر قتال با کفار را دارد و از سویی مصداق بارز کفار نیز، حاکمان ممالک اسلامی می‌باشند؛ پس قتال با آنان واجب است.^۲

۲. ارتداد حکام: چنان‌چه برخی از حاکمان اسلامی ظاهری را پذیرفته باشند، آنچه از آنان دیده می‌شود ارتدادشان از دین است؛ بنابراین، از باب جهاد دفع، لزوم قتال با آنان ثابت می‌گردد.^۳

۳. حکام ممالک اسلامی دست‌نشانده یهود و صلیبیان هستند؛ از این‌رو هیچ فرقی بین حکومت یک یهودی و یا مسیحی بر مسلمانان و دست‌نشانده آنها نیست؛ پس قتال با این حاکم و برکناری آن واجب است؛^۴

همچنین سید امام^۵ در وجوب قتال علیه حکام ممالک اسلامی سه دلیل را بیان کرده است:

الف: از آنجایی که بیعت با حکام ممالک اسلامی بر طبق کتاب و سنت نبوده، بلکه بر طبق قوانین وضعیه به این مقام منسوب گشته‌اند؛ پس اساساً نمی‌توان آنان را حاکم مسلمان دانست، که خروج بر آنان جایز نباشد.

ب: بنابر آیه شریفه «وَمَنْ لَّمْ يَخُضْ بِمَا أُنْزِلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ»^۶، و همچنین آیه «وَمَنْ يَزِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ»^۷، حکام ممالک اسلامی مرتد و کافر بوده و از آنجایی که مراد از جهاد، قتال با کفار می‌باشد، پس قتال با این حاکمان واجب است.^۸

۱. همان، ص ۱۰.

۲. ناصرالرشید، عبدالله، خروج علی الحاکم، ص ۲.

۳. فلسطینی، ابوقتاده، لماذا الجهاد، ص ۱۵؛ ناصرالرشید، عبدالله، خروج علی الحاکم، ص ۲.

۴. ناصرالرشید، عبدالله، خروج علی الحاکم، ص ۴.

۵. از نظریه پردازان و رهبران جماعه الجهاد مصر می‌باشد که مهم‌ترین کتاب وی العمدة فی اعداد العدة است.

۶. سوره مانده، آیه ۴۴.

۷. سوره بقره، آیه ۲۱۷.

۸. سید امام، عبدالقادر، الجامع لطلب علم الشریف، ص ۹۳۴.



ج: همان گونه که عملکرد ابوبکر در مقابله با مرتدین، به عنوان جهاد شناخته شده، مقابله ما با حاکمان ممالک (که مرتد هستند)، عین جهاد می باشد.^۱

نقد دیدگاه سلفیه جهادی در قتال با حاکمان ممالک اسلامی

از جمله مصادیقی که تکفیری ها در قتال با دشمن نزدیک (حاکمان ممالک اسلامی)، به آن استناد کرده اند آیه شریفه ۱۲۳ سوره توبه می باشد؛ در حالی که این تعیین مصداق از سوی تکفیری ها خلاف برداشت مفسران در ذیل آیه شریفه می باشد؛ از سوی دیگر، سلفیان تکفیری در تعیین اولویت دچار اشتباه شده اند؛ لذا در نقد برداشت سلفیه تکفیری به این دو مطلب می پردازیم.

الف. عدم کفر حاکمان ممالک اسلامی

آنچه امروز از حکام ممالک اسلامی می بینیم آن است که ضمن اقرار بر شهادتین، نماز می خوانند و بر طبق آیین اسلام عمل می کنند و تنها در شیوه حکم بین مردم با هم اختلاف دارند؛ بنابراین، نمی توان علیه آنان خروج کرد.^۲ روایاتی از پیامبر گرامی اسلام ﷺ در منابع روایی اهل سنت وارد شده که نهی از کشتن کسانی می کند که شهادتین به زبان آورده اند.

۱. قضیه اسامه بن زید که نقل کرده است: در یکی از سریه ها، شخصی کافر را در حالی که شهادتین می گفت کشتیم و سپس، این واقعه را برای پیامبر ﷺ بازگو کردم. ایشان فرمودند: آیا کسی را کشته ای که شهادتین بر زبان جاری کرده و اظهار اسلام کرد؟ من در پاسخ گفتم: او از ترس جانش اقرار به اسلام کرد. پیامبر ﷺ فرمودند: مگر قلب او شکافتی که مطلع شدی از ترس جان بوده.^۳
۲. من جنگ می کنم تا زمانی که مردم بگویند "لا اله الا الله"؛ پس زمانی که اقرار کردند جان و مالشان محفوظ است.^۴

۱. همان، ص ۹۳۴.

۲. قحطانی، محمد، فتاوی الائمة فی النوازل مدلهمة، ص ۱۰۸.

۳. «قال: بعثنا رسول الله صلى الله عليه وسلم في سرية، فصبحنا الحرقات من جهينة، فأدركت رجلا فقال: لا إله إلا الله، فطعنته فوق في نفسي من ذلك، فذكرته للنبي صلى الله عليه وسلم، فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «أقال لا إله إلا الله وقتلته؟» قال: قلت: يا رسول الله، إنما قالها خوفا من السلاح، قال: «أفلا شققت عن قلبه حتى تعلم أقالها أم لا؟» فما زال يكررها علي حتى تمنيت أني أسلمت يومئذ»؛ (نیشابوری، مسلم، صحيح مسلم، ج ۱، ص ۹۶).

۴. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: "أَمُرْتُ أَنْ أَقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَقُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، فَإِذَا قَالُوا: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَصَمُوا مِنِّي دِمَاءَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ إِلَّا بِحَقِّهَا وَحَسَابُهُمْ عَلَى اللَّهِ»؛ (بخاری، محمد، صحيح بخاری، ج ۹، ص ۱۱۲؛ نیشابوری، مسلم، صحيح مسلم، ج ۱، ص ۵۲).

۳. نبی گرامی اسلام ﷺ فرمودند: حلال نیست ریختن خون مسلمانی

که شهادت به "لا اله الا الله" و محمد رسول الله ﷺ می دهد.^۱

از طرفی اهل سنت شرط خروج بر حاکم را کفر بواح^۲ دانسته اند؛ اما اثبات کفر بواح باید با تحقق شروط باشد که ابن عثیمین در این باب تصریح دارد: از جمله اموری که در خروج بر حاکم مطرح می باشد این است که بنابر روایت عبادۀ بن صامت^۳ چنانچه حاکم «کفر بواح» مرتکب گردد، خروج بر او جایز است؛ البته با تحقق شروط آن که عبارت اند از:

۱. مراد از دیدن کفر حاکم در روایت، حصول علم قطعی برای شخص است.

۲. شخص باید به چشم خودش عمل حاکم را ببیند و اخبار دیگران در این باب حجت نیست.

۳. فعل او کفر صریح باشد؛ به این معنا که احتمال تاویل در عمل وی نباشد.

۴. تحقق علم قطعی برای هر شخصی تنها برای خود او جزم آور است و دیگران نمی توانند به علم او اعتماد کنند.

۵. بعد از تحقق شروط، خروج بر حاکم در صورتی است که اولاً قدرت بر مقابله با حاکم را داشته باشد، ثانیاً باید مصلحت عامه مسلمین و دین را در نظر داشت؛ چنانچه این عمل برخلاف مصلحت مسلمین باشد، باید از آن صرف نظر کرد.^۴

ابن حجر عسقلانی نیز در ذیل روایت عبادۀ بن صامت، مراد از کفر بواح را کفر ظاهر و آشکاری دانست که شخص اذعان بر آن دارد و انکار ضروری نماید.^۵ وی در بیان معنای «عندکم من الله فيه برهان»، تصریح دارد که مراد حجت آشکار و قطعی، اعم از کتاب و سنت است که امکان تاویل در آن نباشد؛ از این رو اگر بتوان عمل حاکم را تاویل برد، مجاز بر تکفیر وی نیستیم؛^۶ همچنین شوکانی در این باب می گوید:

۱. «لَا يَجُزُّ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ، يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّي رَسُولُ اللَّهِ»؛ (محمد، بخاری، صحیح البخاری، ج ۹، ص ۵).

۲. کفر صریحی که قابلیت تاویل ندارد.

۳. «فقال: دعانا رسول الله صلى الله عليه وسلم فبايعناه؛ فكان فيما أخذ علينا أن بايعنا على السمع والطاعة في مشيطنا ومكرهنا وعسرنا ويسرنا، وأثرة علينا وألا ننازع الأمر أهله قال: إلا أن تروا كفراً بواحاً عندكم من الله فيه برهان».

۴. ابن عثیمین، محمد بن صالح، لقاء الباب المفتوح، ص ۲۱؛ همان، التعليق على الرسالة الاساطين، ص ۲۵.

۵. ابن حجر عسقلانی، احمد، فتح الباری فی شرح الصحیح البخاری، ج ۱۳، ص ۸.

۶. همان، ص ۹.

حاکمان دارای محاسن (به واسطه انجام واجباتی که به عهده آنان است)، و معایبی (به- واسطه انجام گناهان)، هستند؛ بنابراین، سزاوار است در حق آنان محبت داشته باشیم و بر علیه آنان خروج نکنیم.^۱ وی همچنین عقیده دارد که حاکم نیز مثل دیگر مردم جامعه است و همانند مابقی افراد عبادت خداوند و معصیت می کنند؛ از این رو چنانچه دچار معصیت شوند ولایت او عزل نمی گردد و چنانچه کسی این ادعا را کند، باید دلیل قاطع بر مدعای خویش بیاورد.^۲

البانی نیز خروج بر حاکم را جایز نمی داند و در این باب تصریح می کند: آنچه را که امروزه برخی در مقابله با حکام از طریق سلاح در پیش گرفته اند جایز نمی باشد؛^۳ همچنین می گوید: چنانچه از بین صد نفر، نود و نه نفر از آنان بگویند این شخص به- خاطر افعالش کافر است، اما در مقابل آنان، یک نفر بگوید من این فعل را دال بر کفر نمی دانم، بلکه این شخص فاسق است، نمی توان حکم بر کفر شخص کرد. وی همچنین خطاب به جهادیون می گوید: آنچه امروزه می بینم این است که برخی جوانان، حاکمان ممالک اسلامی را کافر می پندارند؛ در حالی که آنان اذعان بر شهادتین کرده و برخی از افعال عبادی از قبیل نماز، روزه، حج و... را به جا می آورند؛ بنابراین، نمی توان حکم بر کفر آنان کرد. بدانید حکم تکفیر بسیار سخت است؛ تا جایی که در این باب مشهور است که اگر شخصی، مسلمانی را تکفیر کند، خودش کافر می گردد.^۴

ب. مخالفت این دیدگاه با کتاب، سنت و سیره مسلمین

تکفیری ها قتال علیه حاکمان و مخالفان خود را بر جهاد علیه استکبار مقدم می دانند؛ در حالی که این دیدگاه آنان مخالف کتاب، سنت و سیره عالمان دینی می باشد.

دیدگاه سلفیه تکفیری در مورد دشمن نزدیک خواندن حاکمان ممالک و مسلمانان، مخالف خود این است که خطر آنان از دیگر دشمنان شان بیشتر است؛ در حالی که خداوند، خطرناک ترین و اصلی ترین دشمن مسلمانان را معرفی کرده و می فرماید: ﴿لَتَجِدَنَّ

۱. شوکانی، محمد بن علی، رفع الاساطین فی حکم الاتصال بالسلطان، ص ۲۲.

۲. ظفیری، خالد، ضوابط معاملة الحکام، ص ۵۶۰.

۳. البانی، ناصرالدین، تخریج الطحاویة، ص ۶۹.

۴. البانی، ناصرالدین، موسوعة الالبانی، ج ۵، ص ۶۱۶.

أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودُ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا...»؛ یقیناً سرسخت‌ترین مردم را در کینه و دشمنی نسبت به مومنان را، یهودیان و مشرکان خواهی یافت؛^۱ از این‌رو وقتی زنی که فرزندش شهید شده بود نزد پیامبر ﷺ آمد و از ایشان جایگاه فرزندش را نزد خداوند سؤال کرد، حضرت فرمودند: ^۲ برای او نزد خداوند اجر دو شهید است؛ زیرا او با اهل کتاب معاند و محارب جنگیده است. ^۳ ابن تیمیه حرانی با تمسک به این روایت تصریح می‌کند ^۴ که جهاد علیه اهل کتاب مقدم بر دیگر کفار است؛^۵ بنابراین، ملاک در اولویت جهاد، خطر زیاد است که در عصر حاضر خطر استکبار از حاکمان بیشتر می‌باشد؛ همچنین در منابع اهل سنت، روایات متعددی از پیامبر ﷺ در نهی خروج بر حاکم وارد شده است؛ تا جایی که برخی قائل به تواتر این روایات هستند. ^۶ از آنجایی که روایات

این باب در کتب اهل سنت زیاد است، از باب اثبات مدعا، به دو مورد اشاره می‌کنیم.

۱. پیامبر اسلام ﷺ فرمودند: هر شخصی اگر کار ناپسندی را از حاکم دید، پس در مقابل آن صبر کند. اگر کسی علیه حاکم خروج کند، (هرچند به اندازه یک وجب)، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.^۷

۲. پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمودند: امیران و حاکمان خود را اطاعت کنید، هرطوری که باشند؛ اگر آنان شما را به کارهایی که من آورده‌ام امر کنند، هم آنان و هم شما به دلیل تبعیت از آنها پاداش می‌برید و اگر به کارهایی امر کردند که من نیاورده‌ام، گناه آن به گردن آنها است و شما بری‌الذمه هستید. هنگامی که شما خداوند را ملاقات کنید می‌گویید: خدایا به ما ظلم نشود. ندا می‌رسد ظلمی در کار نیست. شما می‌گویید خداوند! رسول ﷺ را فرستادی و ما به اذن شما اطاعت کردیم. برای ما خلفایی گماردی، آنان را نیز به اذن تو اطاعت کردیم و بر ما امیرانی را امارت دادی، پس به قصد تو آنان را اطاعت کردیم. گفته می‌شود: راست گفتید گناه آن اعمال به گردن آنها است و شما مبرا هستید.^۸

۱. سوره مائده، آیه ۸۲.

۲. «فقال رسول الله ﷺ: «ابنك له أجر شهيدين»، قالت: ولم ذاك يا رسول الله؟ قال: «لأنه قتل أهل الكتاب».

۳. ابی‌داود، سلیمان، سنن ابی‌داود، ج ۳، ص ۵.

۴. «جهاد أهل الكتاب أفضل من جهاد الوثنيين، وكان من قتلوه من المسلمين له أجر شهيدين».

۵. ابن تیمیه حرانی، احمد، اقتضاء الصراط المستقیم لمخالفة اصحاب الجحیم، ج ۱، ص ۴۹۹.

۶. شوکانی، محمد، السبل الجرار المتدفق علی حدائق الازهار، ص ۹۳۹.

۷. «مَنْ كَرِهَ مِنْ أَمِيرِهِ شَيْئًا فَلْيُصْبِرْ، فَإِنَّهُ مَنْ خَرَجَ مِنَ السُّلْطَانِ شَيْئًا مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»؛ (بخاری، محمد، صحیح بخاری،

ج ۹، ص ۴۷)؛ (نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۷۷).

۸. «سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أَمْرَاءُ، فَأَدُوا إِلَيْهِمْ طَاعَتَهُمْ، فَإِنَّ الْأَمِيرَ مِثْلَ الْمُجَنِّ بِتَقَىٰ بِهِ فَإِنْ صَلَحُوا وَاتَّقُوا وَأَمْرُكُمْ بِخَيْرٍ فَلَكُمْ

علاوه بر این، سیره بزرگان اهل سنت نیز بر این است که قتال با استکبار را مقدم بر حاکمان می‌دانند؛ تا جایی که عبدالله بن مبارک با وجود اینکه در خراسان جنگ بود، برای مقابله با صلیبیان شام، به آنجا رهسپار گشت. وقتی از وی سوال شد چرا دشمن نزد خویش را رها کرده و به اینجا آمده‌ای؟ او جواب داد: برای اینکه اینها اهل کتاب و ضررشان برای مسلمانان بیشتر است و از باب تقدم جهاد علیه اهل کتاب به اینجا آمده- ام.^۱ این در حالی است که سلفی‌های تکفیری از این دشمن غافل هستند و هیچ اقدامی علیه آن انجام نمی‌دهند.

محمد بن ادریس شافعی به‌عنوان یکی از ائمه مذاهب اربعه تصریح دارد:

چنان‌چه برای مسلمانان، دشمنی باشد که ضررش از دشمن نزدیک بیشتر، و اقدام به اذیت مسلمانان کند، ابتدا باید در مقابل او جهاد کرد؛ همان‌گونه که سیره پیامبر ﷺ این گونه بود؛ چراکه پیامبر ﷺ وقتی با خبر شدند که حارث بن ابی ضرار، افرادی را جهت حمله به مسلمانان جمع کرده، لشکر اسلام را به مقابله با او فرستادند؛ در حالی که دشمنانی نزدیک‌تر از او برای مسلمانان بود.^۲

حسن بصری نیز در این باب تصریح دارد: همانا ظلم حاکمان بدبختی از ناحیه خداوند است؛ پس بدبختی ایجاد شده از سوی خداوند را نباید با شمشیر جواب داد؛ بلکه لازم است برای رفع آن، دعا و استغفار نمود.^۳

ابن تیمیه حرانی نیز که سلفیان از وی به‌عنوان پدر بیداری خود نام می‌برند و بیشترین تاثیر را در اندیشه سلفیان تکفیری دارد،^۴ در باب جواز یا عدم جواز خروج بر حاکم می‌گوید: صبر در مقابل حاکم ظالم از اصول اهل سنت می‌باشد.^۵ او قتال علیه حکام را جایز ندانسته است؛ تا جایی که این امر را سنت پیامبر ﷺ قرار داده است.^۶

→ ولهم، وإن أسأؤوا وأمرؤکم فعلیهم، وأنتم منهم براء، وإن الأمير إذا ابتغى الریبة فی الناس أفسدهم؛ (طبرانی، سلیمان بن احمد، معجم الکبیر، ج ۲۰، ص ۲۷۸).

۱. ابن قدامه، عبدالله، المغنی، ج ۹، ص ۲۰۲.

۲. شافعی، محمد بن ادریس، الام، ج ۴، ص ۱۷۷.

۳. ابن جوزی، سلیمان، آداب الحسن البصری و زهده و مواظبه، ص ۱۱۶.

۴. مولی، سعود، الجماعات الاسلامیة و العنف، ص ۶۲۷.

۵. «کان من أصول أهل السنة والجماعة لزوم الجماعة وترك قتال الأئمة وترك القتال فی الفتنة»؛ (ابن تیمیه، احمد، مجموع الفتاوی، ج ۲۸، ص ۱۲۸).

۶. «أمر (النبی) بالصبر علی جور الأئمة. ونهی عن قتالهم والخروج علیهم. ولهذا قد یمن الله كثيرا من الملوك الظالمین مدة»؛ (ابن تیمیه، احمد، مجموع الفتاوی، ج ۱۴، ص ۲۶۹).

ابن قیم جوزیه در این باب می گوید: خروج بر حاکم با سلاح جایز نیست و چنانچه شخصی این کار را بکند، از دایره سنت و جماعت خارج می گردد.^۱

نووی در این باب معتقد است:^۲ جمهور اهل سنت از متکلمین، محدثین و فقها اتفاق نظر دارند که حاکم به خاطر ظلم، فسق و تعطیل حقوق از مقام عزل نمی گردد و خروج بر حاکم به خاطر این امور جایز نیست؛ بلکه تنها مجاز به نصیحت او هستیم.^۳

نتیجه

با بررسی صورت گرفته در اندیشه گروه های تکفیری معلوم شد که آنان ضمن تعریف جهاد به قتال، با تمسک به آیه شریفه ۱۲۳ توبه، یکی از مصادیق عدو قریب را حاکمان ممالک اسلامی می دانند و قتال با آنان را واجب عینی قلمداد کرده اند؛ در حالی که معلوم شد ظاهر آیه شریفه هیچ اشاره ای بر این مصداق ندارد و مفسرین فریقین نیز در ذیل آیه می فرمایند: این آیه بیان گر یک تاکتیک جنگی می باشد و در صورت تعمیم آن به تمام زمان ها شامل آن دسته از کفاری است که با مسلمانان وارد جنگ شده و به عنوان دشمن مسلمانان شناخته شده اند که این امر در مورد تمام حاکمان ممالک اسلامی ثابت نیست. از سویی دیگر سلفی های تکفیری تنها به این آیه نگاه کرده و توجهی به دیگر آیات که ما را به رعایت عدالت و احسان نسبت به تمام افراد امر کرده است ندارند. علاوه بر این اقدام، تکفیرها مخالف سنت پیامبر ﷺ نیز می باشند؛ زیرا در کتب روایی اهل سنت، روایات زیادی از ایشان بر نهی خروج بر حاکم وارد شده است؛ همچنین در تحقیق صورت گرفته معلوم شد که دیدگاه تکفیری ها با بزرگان دینی اهل سنت نیز مخالف است؛ چراکه آنان خروج بر حاکم را جایز ندانسته و در صورت لزوم خروج، باید مصلحت مسلمانان مدنظر باشد؛ پس این عملکرد سلفیان تکفیری، مخالف کتاب، سنت و بزرگان اهل سنت است.

۱. ابن قیم جوزیه، محمد، حادی الارواح الی بلاد الافراح، ص ۴۱۱.

۲. «قال جماهير أهل السنة من الفقهاء والمحدثين والمتكلمين لا ينعزل بالفسق والظلم وتعطيل الحقوق ولا يخلع ولا يجوز الخروج عليه بذلك بل يجب وعظه وتخويفه».

۳. نووی، یحیی بن شریف، المنهاج شرح صحیح مسلم، ج ۱۲، ص ۲۲۹.



منابع

١. قرآن كريم.
٢. ابن أبي العز حنفي، محمد، شرح العقيدة الطحاوية، تحقيق: أحمد شاكر، عربستان: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد، چاپ اول، ١٤١٨ق.
٣. ابن اثير، على بن ابي الكرم، الكامل في التاريخ، تحقيق: عمر عبدالسلام تدمري، بيروت: دار الكتاب العربي، چاپ اول، ١٤١٧ق.
٤. ابن تيمية حراني، احمد، مجموع الفتاوى، تحقيق: بن قاسم، عبدالرحمن، مدينه: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، چاپ اول، ١٤١٦ق.
٥. ابن تيمية حراني، احمد، اقتضاء الصراط المستقيم لمخالفة أصحاب الجحيم، تحقيق: ناصر عبدالكريم، بيروت: دار عالم الكتب، چاپ هفتم، ١٤١٩ق.
٦. ابن جوزي، سليمان، آداب الحسن البصري و زهده و مواعظه، محقق: حرش، سليمان، بی جا: دار النوادر، چاپ اول، ١٤٢٨ق.
٧. ابن حجر عسقلانی، احمد، فتح الباري شرح صحيح البخاري، بيروت: دار المعرفة، ١٣٧٩ق.
٨. ابن عثيمين، محمد، التعليق على رسالة رفع الاساطين فى حكم الاتصال بالسلطين، عربستان، دار الوطن للنشر، چاپ اول، ١٤٣٠ق.
٩. ابن عثيمين، محمد، الشرح الممتع على زاد المستقنع، عربستان: دار ابن جوزي، چاپ اول، ١٤٢٢ق.
١٠. ابن قدامه مقدسى، عبدالله، الكافي فى فقه الامام احمد بن حنبل، بی جا، دار الكتب العلميه، چاپ اول، ١٤١٤ق.
١١. ابن قيم جوزيه، محمد، حادى الارواح الى بلاد الافراح، قاهره: مطبعة المدنى، بی تا.
١٢. ابن قيم الجوزيه، محمد، زاد المعاد فى هدى خير العباد، بيروت: مؤسسة الرساله، چاپ اول، ١٤١٥ق.
١٣. ابوداود سجستاني، سليمان، سنن أبى داود، تحقيق: عبدالحميد محمد محيى الدين، بيروت: المكتبة العصرية، بی تا.
١٤. انصارى، ابو حارث، ارشاد السوول الى حروب الرسول، بی جا، دار الجبهة للنشر والتوزيع، چاپ اول، ١٤٢٩ق.
١٥. انصارى، ابو حارث، الاصول الجهادية، بی جا، دار الجبهة للنشر والتوزيع، چاپ اول، ١٤٢٩ق.
١٦. البانى، محمد ناصر الدين، تخریج الطحاوية، بی جا: بی نا، بی تا.
١٧. البانى، محمد ناصر الدين، صحيح ابى داود، بيروت: مؤسسة غراش للنشر والتوزيع، چاپ اول، ١٤٢٣ق.
١٨. البانى، محمد ناصر الدين، موسوعة الالبانى فى العقيدة، محقق: شادى بن محمد آل نعمان، صنعاء: مركز النعمان للبحوث والدراسات الإسلامية وتحقیق التراث والترجمة، چاپ اول، ١٤٣١ق.
١٩. البانى، محمد ناصر الدين، سلسلة الأحاديث الصحيحة وشيء من فقهها وفوائدها، رياض:

- مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۲۰. جصاص، احمد بن على، احكام القرآن، محقق: شاهين عبدالسلام، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۲۱. حجازى، اكرم، دراسات فى السلفية الجهادية، قاهرة: مدارات للابحاث والنشر، چاپ سوم، ۱۴۳۴ق.
۲۲. حسان، ابو عمر، «الانتصار للمجاهدين برد الشبهات الماثرة على الخروج على الحكام المرتدين»، منبر التوحيد والجهاد، بى تا، <http://www.tawhed.ws>.
۲۳. حسينعلى، حسن، نقد مباني سلفيه جهادى (عدو قريب و بعيد)، ايران: موسسه بنیان دينى، چاپ اول، ۱۳۹۶ق.
۲۴. راغب اصفهانی، حسين بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، نشر: دار المعروف للطباعة و النشر، بى جا، بى تا.
۲۵. رمضان، حسن محسن، تشريح الفكر السلفى المتطرف، دمشق: دار الحصاد، چاپ اول، ۲۰۰۹م.
۲۶. زرقاوى، ابو مصعب، «الارشيف الجامع لكلمات و خطابات ابو مصعب الزرقاوى»، منبر التوحيد والجهاد، بى تا، <http://www.tawhed.ws>.
۲۷. زمخشري، محمود، الكشف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الاقاويل فى وجوه التاويل، محقق: مصطفى حسين احمد، بيروت: دار الكتاب العلمية، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
۲۸. سباعى، هانى، «التجلية فى الرد على التعرية»، منبر التوحيد والجهاد، بى تا، <http://www.tawhed.ws>.
۲۹. سباعى، هانى، «العدو القريب محاولة لتشخيص احد امراض الامة»، مركز المقرئى للدراسات التاريخية، بى تا، lhansibu@hotmail.co.
۳۰. سجستانى، ابوداود، سنن ابى داود، تحقيق: عبدالحميد محمد محيى الدين، بيروت: المكتبة العصرية، بى تا.
۳۱. سلفى جزايرى، محمد، ثر الدر فى تنفيذ شبهة كفر دون كفر، بى جا، منبر التوحيد والجهاد، بى تا.
۳۲. سليمان، ابوداود سجستانى، سنن ابوداود، تحقيق: محمد عبدالحميد، بيروت: المكتبة العصرية، بى تا.
۳۳. سورى، ابو مصعب، «نظرية المنهج و العقيدة القتالية لدعوة المقاومة الاسلامية»، منبر التوحيد والجهاد، بى تا، <http://www.tawhed.ws>.
۳۴. سيد امام، عبدالقادر، «الجامع فى طلب العلم الشريف»، آرشيو منبر التوحيد والجهاد، بى تا، <http://www.tawhed.ws>.
۳۵. سيد امام، عبدالقادر، «العمدة فى اعداد العدة»، بى تا، <http://www.mtj.fm/Programs/MTJ.zip>.
۳۶. سيد امام، عبدالقادر، الجامع فى طالب العلم الشريف، نشر: منبر التوحيد والجهاد، آرشيو



سایت، بی.تا. <http://www.tawhed.ws>.

۳۷. سید قطب، ابراهیم، **فی ظلال القرآن**، مصر، قاهره: دار الشروق، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۳۸. شافعی، محمد بن ادريس، **تفسير الامام شافعی**، محقق: احمد بن مصطفى، عربستان: دار التدمرية، چاپ اول، ۱۴۲۷ق.
۳۹. شافعی، محمد بن ادريس، **الأم**، بيروت: دار المعرفة، ۱۴۱۰ق.
۴۰. شوکانی، محمد بن علی، **السیل الجراد المتدفق علی حدائق الازهار**، بی.جا: دار ابن حزم، بی.تا.
۴۱. طبرانی، سلیمان بن احمد، **المعجم الكبير**، تحقیق: عبدالمجید السلفی، قاهره: مكتبة ابن تیمیة، چاپ دوم، بی.تا.
۴۲. طبری، محمد بن جریر، **تفسير الطبری**، تحقیق: عبدالله التركي، عربستان: دار هجر للطباعة والنشر والتوزيع والإعلان، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۴۳. ظواهری، ایمن، «شفاء صدور المومنین»، منبر التوحید و الجهاد، بی.تا، <http://www.tawhed.ws>.
۴۴. عبدالسلام فرج، محمد، **الجهاد الفريضة الغائبة**، بی.جا، منبر التوحید و الجهاد، بی.تا.
۴۵. عزام، عبدالله، «التجارة المنجية زاد المجاهدين»، منبر التوحید و الجهاد، بی.تا، <http://www.tawhed.ws>.
۴۶. عیاشی، محمد بن مسعود، **تفسير العیاشی**، محقق: رسولی، هاشم، تهران، مكتبة العلمية الاسلامية، چاپ اول، ۱۳۸۰ق.
۴۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، **العين**، محقق: مهدی محزومی، بی.جا، دار مكتبة الهلال، بی.تا.
۴۸. فلسطینی، ابوقاده، «لماذا الجهاد»، منبر التوحید و الجهاد، بی.تا. <http://www.tawhed.ws>.
۴۹. قحطانی، محمد، **فتاوى الاثمة في النوازل المدلهمة**، ریاض: دار الاوفياء. بی.تا.
۵۰. قرطبی، ابوعبدالله، **الجامع لاحكام القرآن**، تحقیق: هشام سمیر البخاری، ریاض: دار عالم الكتب، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
۵۱. مجموعة المؤلفين، **الفتنة الغائبة**، مصر: مركز المسبار للدراسات والبحوث، چاپ اول، ۲۰۱۲م.
۵۲. مقدسی، ابومحمد، «مقابلة نداء الاسلام»، منبر التوحید و الجهاد، بی.تا. <http://www.tawhed.ws>.
۵۳. مولی، سعود، **الجماعات الاسلامية والانف**، ناشر: مركز المسبار للدراسات والبحوث، چاپ اول، ۲۰۱۲م.
۵۴. ناجی، ابوبکر، «ادارة التوحش»، منبر التوحید و الجهاد، بی.تا. <http://www.tawhed.ws>.
۵۵. نووی، یحیی بن شرف، **المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج**، بيروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ دوم، ۱۳۹۲ق.
۵۶. نیشابوری، علی بن احمد، **التفسير الوسيط**، بی.جا، جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۳۰ق.